

تفسیر سورہ

مُطَفِّفِیْنَ

### سیمای سوره مطفّین

این سوره سی و شش آیه دارد و در مکه نازل شده است، گرچه بر اساس برخی روایات، آیات اولیه آن مدنی است.

نام سوره، برگرفته از آیه اول است و به معنای کم فروشان می باشد. این سوره با هشدار به کم فروشان آغاز می شود و ریشه آن را باور نداشتن روز قیامت برمی شمرد.

سرگذشت فاجران گنهکار و متجاوز و برخورد آنان با آیات الهی، که بیانگر زنگار گرفتگی دلهای آنهاست، بخش دیگری از آیات این سوره را تشکیل می دهد.

البته بیان نعمت های جاودان و شادی و سرور بهشتیان، نور امید را در دل مؤمنان روشن می سازد و آنان را در برابر نیش و نوش های مجرمان دلداری می دهد تا در اثر تحقیر و استهزای آنان اندوهگین نشوند.

براساس روایات، قرائت این سوره در نماز، امنیت از عذاب را در روز قیامت به دنبال دارد و خداوند او را از نوشیدنی های طهور بهشتی سیراب می سازد.<sup>(۱)</sup>

---

۱. تفسیر نورالثقلین.

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿۱﴾ وَيَلُّ لِمُطَفِّفِينَ ﴿۲﴾ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ  
يَسْتَوْفُونَ ﴿۳﴾ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ ﴿۴﴾ أَلَا يَظُنُّ  
أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿۵﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۶﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ  
لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

وای بر کم‌فروشان. کسانی که هرگاه از مردم پیمانانه بگیرند کامل می‌گیرند. و هرگاه به ایشان پیمانانه دهند یا برایشان (کالایی را) وزن کنند، کم می‌گذارند. آیا آنان گمان ندارند که برانگیخته خواهند شد؟ برای روزی بزرگ. روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان (برای پاسخ به کارهایشان) خواهند ایستاد.

### نکته‌ها:

- «وِیَلُّ» به معنای هلاک و عذاب است و بر اساس روایات، نام درّه‌ای در دوزخ یا دری از دره‌های آن می‌باشد.
- «طَفِيفٌ» و قلیل به یک معناست و «تَطْفِيفٌ» به معنای کاستن و کم گذاشتن است و ریشه آن از «طَفَّ» به معنای کنار است. به فروشنده‌ای که از کنار اجناس می‌زند، «مُطَفِّفٌ» گویند. ابن مسعود نقل می‌کند که هر کس از نمازش بکاهد مشمول این آیه است.<sup>(۱)</sup>
- کم فروشی هر صنفی متناسب با خودش می‌باشد: معلم، کارگر، نویسنده، فروشنده،

۱. تفسیر نمونه.

- مهندس، دکتر و دیگر مشاغل، هر کدام در انجام وظیفه خود کوتاهی کنند، کم فروشند.
- کم فروش، خود را زرنگ می‌داند، مردم را دوست ندارد، خدا را رازق نمی‌داند و ظلم اقتصادی به جامعه می‌کند.
- کم فروشی از گناهان کبیره است، زیرا وعده عذاب برای آن آمده است.
- امکان کم فروشی یا حساسیت در کیل بیش از وزن است، لذا در یک آیه فقط از کیل و در آیه پس از آن، ابتدا مجدداً از کیل و سپس وزن، سخن به میان آمده است.
- در روایات می‌خوانیم: هرگاه مردم گرفتار گناه کم‌فروشی شوند، زمین روئیدنی‌های خود را از مردم باز می‌دارد و مردم به قحطی تهدید می‌شوند.<sup>(۱)</sup>
- انضباط و دقت اقتصادی، در رأس برنامه‌های اصلاحی انبیاست. چنانکه حضرت شعیب به قوم خود فرمود: ﴿أوفوا الكيل و لا تكونوا من الخسرین و زنوا بالقسط المستقیم و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعثوا فی الارض مفسدین﴾<sup>(۲)</sup> پیمانہ را (در معامله) کامل و تمام بدهید و از کم کنندگان و خسارت زندگان نباشید و با ترازوی درست وزن کنید و کالاهای مردم را کم ندهید و روی زمین مفسدانه عمل نکنید.

### پیام‌ها:

- ۱- خطر را با کلمات هشدار دهنده اعلام کنید. ﴿ویل للمطففین﴾
- ۲- مال حرام از راه کم‌فروشی، عامل سقوط انسان است. ﴿ویل للمطففین﴾
- ۳- تفاوت گذاردن در گرفتن و دادن کم‌فروشی است. آنچه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران می‌پسند. ﴿اکتالو... یستوفون - کالوهم... یخسرون﴾
- ۴- کم‌فروشی نسبت به هر کس، گرچه مسلمان نباشد، نارواست. ﴿علی الناس﴾
- ۵- بالاتر از گناه، انس گرفتن با گناه است، به گونه‌ای که کم‌فروشی شغل انسان شود. ﴿یخسرون﴾ (فعل مضارع، نشانه استمرار است).
- ۶- برای جلوگیری از مفسد اقتصادی، باید یاد معاد را در دل‌ها زنده کنیم. ﴿الا

۱. تفسیر المیزان.

۲. شعراء، ۱۸۱ - ۱۸۳.

يظنّ اولئك انهم مبعوثون ﴿

- ۷- اعتقاد به معاد حتی در حدّ گمان بازدارنده است. ﴿الا يظنّ اولئك انهم مبعوثون﴾  
 ۸- حوادث روز قیامت، بزر و هولناک است. ﴿ليومٍ عظيمٍ﴾  
 ۹- برای کم فروشی و حق الناس باید پاسخ گو باشیم. ﴿يقوم الناس لربّ العالمين﴾  
 ۱۰- کیفر و مجازات مجرمان، از شئون ربوبیت خداست. ﴿يقوم الناس لربّ العالمين﴾

﴿۷﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿۸﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ

﴿۹﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿۱۰﴾ وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ ﴿۱۱﴾ الَّذِينَ

يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۱۲﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿۱۳﴾

إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

چنین نیست (که آنان می پندارند)، همانا پرونده بدکاران در سجّین است. و تو چه می دانی که سجّین چیست؟ این، سرنوشتی است رقم خورده (و حتمی). وای بر تکذیب کنندگان در آن روز. کسانی که روز جزا را انکار می کنند. و جز تجاوزگر گناهکار، کسی آن را تکذیب نمی کند. هرگاه آیات ما بر او تلاوت شود، گوید: افسانه های پیشینیان است.

#### نکته ها:

- «سجّین» از «سجّن» به معنای زندان و وزن فَعِيل برای مبالغه است: زندان ابد و سخت.
- «مرقوم» از «رقم»، به معنای خط درست و مشخص است، به گونه ای که با دیگر نوشته ها اشتباه نشود. بنابراین، «کتاب مرقوم» یعنی سرنوشت فاجران، کاملاً مشخص و معین است و آنان گرفتار زندان دوزخ اند.
- مراد از «دین» در آیات مربوط به قیامت، جزاست. ﴿يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ﴾ همان گونه که در سوره حمد، آیه ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ به معنای مالک روز جزاست.
- «أثیم» از «إثم» به کسی گویند که در گناه فرو رفته باشد.

- جمله «ویل یومئذ للمکذبین» را دو گونه می‌توان تفسیر کرد:
- الف: وای به کم فروشی که سرنوشتش به تکذیب قیامت می‌انجامد.
- ب: وای به کسانی که کیفر کم فروشان در قیامت را باور ندارند.
- شاید مراد از «مکذبین»، تکذیب عملی باشد نه قلبی و زبانی. یعنی کم فروشی و نادیده گرفتن حق مردم، تکذیب عملی قیامت است، نظیر شخصی که وسواس دارد و عملاً کلام انبیا و امامان و مراجع تقلید را تکذیب می‌کند، زیرا آن بزرگواران می‌گویند: این لباس پاک است ولی وسواسی می‌گوید: به نظر من پاک نیست که این تکذیب عملی است نه آنکه در قلب یا با زبان منکر باشد.
- «اساطیر» جمع «اسطورة» به معنای افسانه است که مطالب زیبا و دل‌نشین دارد ولی واقعیت ندارد و بافته ذهن و خیال داستان سرایان است. «اساطیر الاولین» یعنی آنکه پیشینیان افسانه‌ها را ساخته‌اند و پیامبر آنها را بازگو می‌کند.
- در تاریخ عاشورا می‌خوانیم که امام حسین علیه السلام چندین مرتبه لشگر یزید را موعظه کرد و از آنان اقرار گرفت که مگر من فرزند فاطمه دختر پیامبر شما نیستم، مگر حلالی را حرام یا حرامی را حلال کرده‌ام؟ مگر شما با هزاران نامه از من دعوت نکردید؟ و... در پایان فرمود: «قد ملئت بطونکم من الحرام» شکم‌های شما از حرام پر شده و دیگر سخن حق در روح شما اثری ندارد. امروزه هیچ یک از دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دنیا، سخنی از تأثیر لقمه حلال و حرام در تربیت و روح انسان مطرح نمی‌کنند و شرق و غرب عالم از تأثیر تغذیه بر تربیت غافلند.

### پیام‌ها:

- ۱- کم فروش، فاجر است و پرده دیانت را می‌درد. «للمطققین... الفجار»
- ۲- سرنوشت فاجران، قطعی و مشخص است. «کتاب مرقوم»
- ۳- گناه، انسان را به کفر و انکار حقایق وامی‌دارد. «و ما یکذب به الا کل معتد اثم»
- ۴- کسانی آیات قرآن را افسانه و اسطوره می‌خوانند که در گرداب گناه و طغیان فرو رفته‌اند. «کل معتد اثم اذا تتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين»

- ۵ - توجیه وحی به افسانه، راهی است برای کافر ماندن. ﴿قال اساطیر الاولین﴾
- ۶ - لقمه‌ی حرام، انسان را تا مرز کفر پیش می‌برد. (در آغاز سوره سخن از کم‌فروشی بود که عامل کسب لقمه حرام است، در آیات بعد سخن از فجور شد و در ادامه سخن از تکذیب است.) ﴿ویل یومئذ للمکذبین﴾
- ۷ - رفتار انسان، در عقائد و باورهای او اثر می‌گذارد. تجاوز و گناه پی‌درپی، انسان را به تکذیب وامی‌دارد. ﴿و ما یکذب به الا کلّ معتد اثم﴾
- ۸ - به یک تذکر و انذار نباید قناعت کرد، تذکر و تلاوت باید دائمی باشد. ﴿تلی علیه آیاتنا﴾ (فعل مضارع، نشان استمرار است.)
- ۹ - قرآن، حتی نزد مخالفان پرجاذبه است. ﴿قال اساطیر الاولین﴾ (اسطوره به داستان‌های زیبا و پرجاذبه گفته می‌شود.)

﴿۱۴﴾ کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۵﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ  
عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمْ حَاجِبُونَ ﴿۱۶﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ  
﴿۱۷﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكذِّبُونَ

چنین نیست، بلکه آنچه کسب می‌کردند بر دل‌هایشان زنگار نهاده است. آنان در آن روز از (الطاف) پروردگارشان محجوب و محرومند. و آنگاه آنان به دوزخ وارد خواهند شد. سپس (به آنان) گفته خواهد شد: این همان چیزی است که آن را دروغ می‌پنداشتید.

#### نکته‌ها:

- «رین» به معنای زنگار است که بر اجناس قیمتی می‌نشیند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: هرگاه گناه بر انسان غالب شود، امیدی به رستگاری او نخواهد بود و این است معنای ﴿کلا بل ران علی قلوبهم﴾<sup>(۱)</sup>.

۱. تفسیر مجمع البیان.

□ امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده‌ای نیست مگر آنکه در قلبش نقطه سفیدی است. با انجام هر گناه، در آن سفیدی نقطه سیاهی پدید می‌آید و اگر توبه کند، محو می‌شود و اگر اصرار بر گناه کند، سیاهی توسعه یافته و تمام قلب را فرامی‌گیرد و دیگر انسان به خیر و سعادت بر نمی‌گردد. (۱)

□ امام رضا علیه السلام فرمود: مراد از «انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون» آن است که از پاداش خداوند محرومند و گرنه خداوند مکان ندارد. (۲)

### پیام‌ها:

- ۱- افسانه پنداشتن قرآن، ناشی از ناپاکی دل است. «کلاً بل ران علی قلوبهم»
- ۲- گناه، روح انسان را دگرگون و از درک حق باز می‌دارد. «بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون»
- ۳- فطرت انسان سالم است، آنچه آن را می‌پوشاند، گناه است. «ران علی قلوبهم»
- ۴- در فرهنگ قرآن، قلب و روح مرکز درک حقایق است. «ران علی قلوبهم»
- ۵- اصرار و تداوم بر گناه، سبب زنگار قلب است. «ما کانوا یکسبون»
- ۶- عمل، سرمایه انسان است که با آن، خوبی‌ها یا بدی‌ها را کسب می‌کند. «کانوا یکسبون»
- ۷- زنگار گناه که در دنیا مانع درک حقیقت است، در آخرت نیز مانع دریافت الطاف الهی می‌شود. «انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون»
- ۸- مأموران دوزخ، دوزخیان را سرزنش می‌کنند. «ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون»

۱. تفسیر نور الثقلین. ۲. توحید صدوق، ص ۱۶۲.



﴿۱۸﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيّينَ ﴿۱۹﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا  
 عَلِيُّونَ ﴿۲۰﴾ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ ﴿۲۱﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿۲۲﴾ إِنَّ  
 الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿۲۳﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿۲۴﴾ تَعْرِفُ فِي  
 وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿۲۵﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ  
 ﴿۲۶﴾ خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿۲۷﴾ وَ  
 مِرَاجَهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿۲۸﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

چنین نیست، همانا نامه عمل نیکوکاران در جایگاهی بلند است. و تو چه دانی که علیین چیست؟ سرنوشتی است رقم خورده و (حتمی). که مقربان الهی گواه آنند. همانا نیکوکاران در ناز و نعمت بهشتی اند. بر تخت‌ها (تکیه زده و) می‌نگرند. در چهره آنان خرمی و طراوت نعمت را می‌شناسی. از شرابی خالص و مهر و موم شده به آنان نوشانند. مهر آن از مشک است و هر کس که اهل مسابقه است، شایسته است که در (رسیدن به این نعمت‌ها) رقابت ورزد. و مخلوط آن، تسنیم است. چشمه‌ای که مقربان (الهی) از آن می‌نوشند.

#### نکته‌ها:

- «علیّین» جمع «علیّ» به معنای درجات و مراتب بلند تا بی‌نهایت است.
- مراد از کتاب ابرار، سرنوشت نیکان در قیامت است و «مرقوم» یعنی مشخص و نشان‌دار به گونه‌ای که با سایر نوشته‌ها اشتباه نمی‌شود.
- «ارائک» جمع «اریکه» به معنای تختی است که زینت شده و برای آرمیدن مهیاست.
- «نضرة» به معنای زیبایی و خرمی و «نعم» به معنای نعمت فراوان و «رحیق» به معنای شراب خالص است.
- «تنافس» یا از «نفیس» است، یعنی دو نفر برای به دست آوردن یک شیء نفیس تلاش می‌کنند و یا از «نفس» است، یعنی دو نفر برای به دست آوردن چیزی، آخرین نفس خود را

به کار برده و تلاش می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

- پذیرایی در بهشت، مراتب و درجاتی دارد:
- برای گروهی «یسقون» و برای گروهی دیگر «سقا هم رهیم»<sup>(۲)</sup> یعنی بعضی با واسطه و بعضی بی‌واسطه الطاف را دریافت می‌کنند.
- بعضی گفته‌اند که مراد از مسک در «ختامه مسک»، ظرف شراب مُهر شده است.
- مقرّبان از تسنیم می‌نوشند، ولی ابرار از نوشیدنی که با تسنیم مخلوط شده، خواهند نوشید.
- نوشیدنی‌های بهشتی انواعی دارد: بعضی در نهرها جاری است: «انهار من ماء، انهار من لبن، انهار من خمر، انهار من عسل»<sup>(۳)</sup> بعضی در ظرف‌های مُهر شده است: «ختامه مسک» و بعضی از آسمان بهشت یا طبقات بالای آن فرو می‌ریزد که همان تسنیم است.<sup>(۴)</sup>
- امام باقر علیه السلام فرمود: تسنیم، بهترین نوشیدنی بهشت است و مخصوص پیامبر و اهل بیت اوست و از بالا می‌ریزد و در منزل‌های آنان جاری است.<sup>(۵)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- وعده‌های الهی در مورد پاداش خوبان قطعی است. «ان الابرار لئی نعیم» (کلمه انّ و حرف لام و جمله اسمیه، بیانگر قطعی بودن وعده است).
- ۲- دریافت نعمت در حضور دیگران، لذّت را چند برابر می‌کند. «یشهده المقرّبون»
- ۳- جایگاه بلند و اشراف بر منظره‌های زیبا، از نعمت‌های بهشتیان است. «علی الارائك ینظرون»
- ۴- حالات روحی و روانی انسان، بر جسم او تأثیرگذار است. «تعرف فی وجوههم» (درخشندگی صورت بهشتیان برای انسان مشهود است).
- ۵- بکر و دست نخورده بودن نعمت‌های بهشتی، یک ارزش است. «مختوم»
- ۶- لذّت‌های بهشتی، عوارض ندارد. «ختامه مسک»

۳. محمد، ۱۵.

۲. انسان، ۲۱.

۱. تفسیر راهنما.

۵. تفسیر پرهان.

۴. تفسیر نمونه.

۷- در فرهنگ اسلام، دنیا، میدان مسابقه و رقابت است، البته رقابت برای به دست آوردن نعمت‌های اخروی. ﴿و فی ذلك فلیتنافس المتنافسون﴾  
 ۸- بهشتیان، درجات و مراتبی دارند. ﴿الابرار - المقربون﴾

﴿۲۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿۳۰﴾  
 وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ ﴿۳۱﴾ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا  
 فَكِهِينَ ﴿۳۲﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿۳۳﴾ وَمَا  
 أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ ﴿۳۴﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ  
 يَضْحَكُونَ ﴿۳۵﴾ عَلَىٰ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿۳۶﴾ هَلْ تُؤِيبُ الْكُفَّارَ  
 مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

همانا مجرمان پیوسته به اهل ایمان می‌خندیدند. و هرگاه از کنارشان  
 مرور می‌کردند، (از روی تمسخر) با چشم و ابرو به یکدیگر اشاره  
 می‌کردند. و هرگاه به سوی اهل خودشان (و همفکران منحرفشان) باز  
 می‌گشتند، (شادمان از تمسخر) طنزگونه و بذله‌گویان باز می‌گشتند. و  
 هرگاه اهل ایمان را می‌دیدند، می‌گفتند: شکی نیست که آنان گمراهند. در  
 حالی که آنان، رسالت نگهبانی بر مؤمنان را نداشتند. پس امروز، اهل  
 ایمان بر این کفار می‌خندند. در حالی که بر تخت‌های بهشتی نظاره‌گرند.  
 که آیا کافران کیفر عملکرد خود را دیده‌اند؟

نکته‌ها:

□ «عَمَز» به معنای عیب‌جویی از دیگران با اشاره چشم و ابرو است.

پیام‌ها:

۱- مؤمنان باید آماده برخوردهای ناروای گنهکاران و مجرمان باشند. ﴿إِنَّ الَّذِينَ  
 اجْرَمُوا﴾

- ۲- خنده، غمزه، نیش و نوش‌های دیگران شما را دلسرد نکند، زیرا خود آنان مجرم هستند. ﴿انّ الذّین اجرموا﴾
- ۳- تمسخر و تحقیر، روش دیرینه مجرمان است. ﴿کانوا... یضحکون﴾
- ۴- مجرم به گناه خود قانع نیست، پاکان را تحقیر می‌کند و به آنان ضربه روحی می‌زند. ﴿یضحکون، یتغامزون﴾
- ۵- ساختن طنز و فکاهی برای تمسخر مؤمنان از شیوه‌های مجرمان است. ﴿انقلبوا فکھین﴾
- ۶- اصرار بر گناه، دید و قضاوت انسان را عوض می‌کند. (جالب است که مجرمان، مؤمنان را گمراه می‌پندارند). ﴿قالوا انّ هؤلاء لضالّون﴾
- ۷- گنه‌پیشگان، لایق قضاوت و اظهار نظر درباره مؤمنان نیستند. ﴿قالوا انّ هؤلاء لضالّون و ما ارسلوا علیهم حافظین﴾
- ۸- مؤمنان، نباید انتظار تأیید مخالفان را داشته باشند. ﴿و ما ارسلوا علیهم حافظین﴾
- ۹- گویا مجرمان، خود را قیّم مؤمنان می‌دادند که خداوند آن را نفی می‌کند. ﴿و ما ارسلوا علیهم حافظین﴾
- ۱۰- مؤمنان در قیامت، عامل رنج روحی مجرمان هستند، زیرا در آنجا مؤمنان نیز به آنان خواهند خندید. ﴿فالیوم الذّین آمنوا من الکفّار یضحکون﴾
- ۱۱- کیفر در قیامت، با گناه در دنیا تناسب دارد. (کیفر خنده‌های تمسخرآمیز در دنیا، مورد خنده قرار گرفتن در آخرت است). ﴿الذّین اجرمواکانوا... یضحکون - الذّین آمنوا... یضحکون﴾
- ۱۲- کیفرهای قیامت، بازتاب اعمال خود انسان است. ﴿هل تُؤبّ الکفّار ما کانوا یفعلون﴾

«والحمد لله ربّ العالمین»